

بررسی اهمیت عوامل بازدارنده‌ی زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی

دکتر سارا کشکر

استادیار دانشکده‌ی تربیت بدنی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمد احسانی

دانشیار دانشکده‌ی تربیت بدنی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی اهمیت عوامل بازدارنده‌ی فردی، بین‌فردی، و ساختاری مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزش تفریحی است، که برای این منظور از مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت استفاده شد تا در کنار شناخت این عوامل، درستی و هماهنگی آن‌ها با شرایط موجود در کشور نیز بررسی شود. برای انجام کار، ابتدا به بررسی سلسله‌مراتب عوامل بازدارنده‌ی سه‌گانه و نیز اولویت آن‌ها برای مشارکت زنان شهر تهران در ورزش تفریحی، با توجه به خصوصیات فردی آن‌ها که شامل سن، شغل، تعداد فرزند، وضعیت تأهل، و تحصیلات بود، اقدام شد و پس از توزیع پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گرساخته و دارای روایی و پایایی قابل‌اعتماد بین زنان شهر تهران، نتایج پژوهش نشان داد که در بین این زنان، عوامل ساختاری، مهم‌ترین دسته از عوامل اثرگذار بر مشارکت آن‌ها در ورزش است و عوامل بازدارنده‌ی فردی و بین‌فردی، به ترتیب در اولویت‌های دوم و سوم قرار دارند. نتایج حاصل در مورد تمامی خصوصیات فردی مورد نظر پژوهش ثابت است، اما ترتیب عوامل بازدارنده‌ی سه‌گانه‌ی مدل سلسله‌مراتبی در این پژوهش تأیید نشده است.

واژگان کلیدی

اوقات فراغت؛ ورزش تفریحی؛ خصوصیات فردی؛ عوامل بازدارنده؛

برنامه‌ریزی برای ورزش همگانی مردم، خصوصاً زنان، و تحت پوشش قرار دادن آن‌ها، از جمله اقدام‌هایی است که باید به عنوان طرحی ملی مورد توجه قرار گیرد و به صورتی منطبق با علایق آنان، وضعیت اقتصادی، شرایط، و ارزش‌های حاکم بر کشور اجرا شود. پژوهش حاضر، از جمله پژوهش‌هایی است که به بررسی عوامل بازدارنده‌ی فعالیت‌های اوقات فراغت زنان، که فعالیت‌های ورزش تفریحی یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن است، می‌پردازد و هدف آن مشخص کردن عواملی است که بنا به پژوهش پژوهش‌گران، باعث توقف شرکت و لذت بردن از اوقات فراغت و یا محدود شدن شکل ترجیح و انتخاب گزینه‌های مختلف مربوط به گذران آن می‌شود.

برای بررسی عوامل بازدارنده در این پژوهش، پس از مراجعه به پژوهش‌های مختلفی که در کشور و در سطح جهان صورت گرفته‌بود، عوامل مختلفی شناسایی شدند، که به دلیل تعدد و پراکندگی، الزاماً باید در تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی خاصی قرار می‌گرفتند؛ بنا بر این، استفاده از مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت^۱ جکسون، کرافورد، و گادبی^۲ (۱۹۹۳)، که در آن طبقه‌بندی این عوامل به شکلی مناسب و با عنوان عوامل بازدارنده فردی، بین‌فردی، و ساختاری ارائه شده‌است، گزینه‌ی مناسب بود. مرحله‌ی بعد، طرح سوال پژوهش به این صورت است که مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی مشارکت بانوان شهر تهران از فعالیت‌های ورزش تفریحی، طبق مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت، کدام اند و ترتیب این عوامل با توجه به متغیرهای خصوصیات فردی، شامل سن، تحصیلات، شغل، تعداد فرزند، و وضعیت تأهل چه‌گونه است؟

اهداف و فرضیه‌های پژوهش

هدف کلی

تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی شهر تهران طبق مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت.

اهداف ویژه

۱- بررسی ترکیب عوامل سه‌گانه‌ی مدل و بررسی ترتیب قرارگیری آن‌ها در مشارکت بانوان شهر تهران؛

^۱ Hierarchical Leisure Constraints Model

^۲ Jackson, Edgar L., Duane W. Crawford, and Geoffrey Godbey



- ۲- بررسی اولویت عوامل فردی بازدارنده از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی شهر تهران؛
- ۳- بررسی اولویت عوامل بین‌فردی بازدارنده از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی شهر تهران؛
- ۴- بررسی اولویت عوامل ساختاری بازدارنده از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی شهر تهران؛
- ۵- بررسی ترکیب عوامل سه‌گانه‌ی مدل و مطابقت آن با وضعیت خصوصیات فردی بانوان در شهر تهران.

فرضیه‌ی اصلی

ترکیب عوامل سه‌گانه‌ی مدل در پیش‌بینی‌های دقیق عوامل بازدارنده در بین زنان شهر تهران شبیه مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت است.

فرضیه‌های ویژه

- ۱- عوامل فردی (نگرش‌ها، تصورات، و حالات روانی فرد) بازدارنده از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی شهر تهران در اولویت اول قرار دارد.
- ۲- عوامل بین‌فردی (نبود همراه و روابط اجتماعی) بازدارنده از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی شهر تهران در اولویت دوم قرار دارد.
- ۳- عوامل ساختاری (هزینه، وقت، امکانات و تجهیزات، تفکیک، فقدان مهارت و توانایی) بازدارنده از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی شهر تهران در اولویت سوم قرار دارد.
- ۴- ترکیب عوامل سه‌گانه‌ی مدل در پیش‌بینی‌های دقیق عوامل بازدارنده در بین زنان شهر تهران، با توجه به خصوصیات فردی، شبیه مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت است.

روند مطالعه‌ی عوامل بازدارنده از شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت

هدف از پژوهش و بررسی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت، مطالعه‌ی عواملی است که فرد تحت تأثیر آن‌ها و با ایجاد اولویت، در فعالیت‌های اوقات فراغت شرکت می‌کند و لذت می‌برد، یا برعکس، موجب جلوگیری فرد از شرکت در این گونه فعالیت‌ها می‌شود. این

عوامل یا محصول درک و تجربه‌ی شخصی افراد است، و یا به وسیله‌ی پژوهش‌گران معرفی می‌شود (جکسون^۱ ۲۰۰۰).

پژوهش‌های سازمان‌یافته در مورد عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت، که از اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ آغاز شد (بوئی، تونگات، و تاون‌سند^۲ ۱۹۸۱؛ گودیل و ویت^۳ ۱۹۸۹)، بیش‌تر، پژوهش‌هایی تجربی بود (استاک‌دیل^۴ ۱۹۸۹)، که نتایج آن، اثر عوامل بازدارنده بر فعالیت‌های اوقات فراغت را به وضوح نشان نمی‌داد، اما در پایان دهه‌ی ۱۹۸۰، تلفیق این روش‌ها و روش‌های پژوهشی دهه‌ی ۱۹۹۰، باعث ایجاد نگرشی جدید در مطالعه‌ی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت شد. یکی از پژوهش‌هایی که در این راستا انجام گرفت و موجب شد تا گامی مؤثر در جهت طبقه‌بندی عوامل بازدارنده و شیوه‌ی تأثیر آن‌ها بر مشارکت افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت به وجود آید، به وسیله‌ی گروهی از پژوهش‌گران نظیر جکسون، کرافورد، و گادبی (۱۹۹۳) و به صورت یک مدل سلسله‌مراتبی ارائه شد. در این مدل، عوامل بازدارنده در یک سلسله‌مراتب از مراحل تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و فرد نیز آن‌ها را در یک سلسله‌مراتب با اولویت عوامل بازدارنده‌ی فردی، بین‌فردی، و ساختاری تجربه می‌کند (الکساندریس و کرول^۵ ۱۹۹۷). ارائه‌کنندگان این مدل معتقد اند «مشارکت، وابسته به عوامل بازدارنده است و در نتیجه‌ی غلبه بر این عوامل حاصل می‌شود، نه این که غیبت عوامل بازدارنده به معنای مشارکت باشد (گرچه این امر ممکن است برای بعضی افراد صحت داشته‌باشد). چنین غلبه‌یی احتمالاً شکل مشارکت را تغییر می‌دهد، ولی مانع از آن نمی‌شود.» (جکسون، کرافورد، و گادبی ۱۹۹۳).

تعریف عوامل بازدارنده

همان طور که در بالا گفته‌شد، مدل سلسله‌مراتبی اوقات فراغت به بررسی سه نوع از عوامل بازدارنده می‌پردازد که عبارت اند از: عوامل بازدارنده‌ی فردی، بین‌فردی، و ساختاری (نمودار ۱).

۱- عوامل بازدارنده‌ی فردی، عواملی مانند استرس، افسردگی، اضطراب، و تمایلات مذهبی اند که با حالت‌های روانی فرد سر و کار دارند و بر اولویت انتخاب فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر می‌گذارند، ولی در رابطه‌ی بین اولویت و مشارکت مداخله نمی‌کنند.

¹ Jackson, Edgar L

² Boothby, John, Malcolm F. Tungatt, and Alan R. Townsend

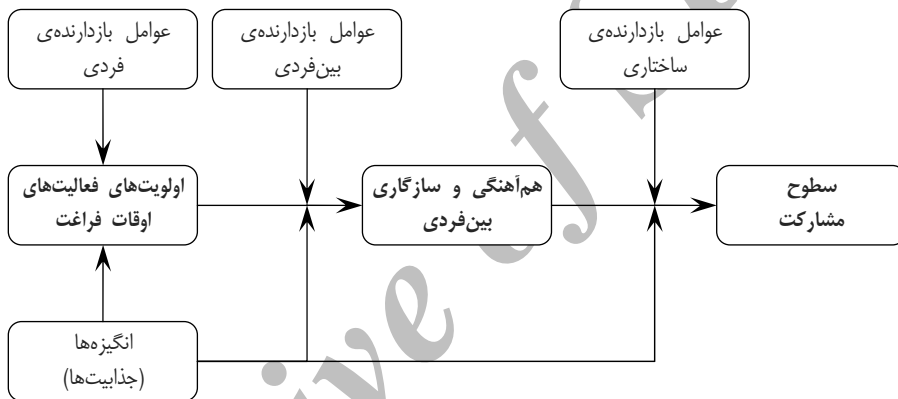
³ Goodale, Thomas L., and Peter A. Witt

⁴ Stockdale, Janet E.

⁵ Alexandris, Konstantinos, and Bob Carroll



- ۲- عوامل بین‌فردی، حاصل کنش‌های بین‌فردی، یا رابطه‌ی بین خصوصیات فردی افراد است و بر مشارکت مشترک در فعالیت‌های اوقات فراغت خاص اثر می‌گذارد، و یا موانعی است که به عنوان نتیجه‌ی روابط و تعامل همسران پیش می‌آید (جکسون ۲۰۰۵).
- ۳- عوامل ساختاری عواملی اند که به عنوان عوامل مداخله‌گر بین اولویت اوقات فراغت و مشارکت عمل می‌کنند. وضعیت چرخه‌ی زندگی خانواده، منابع مالی خانواده، فصل، هوا، برنامه‌ی زمانی کار، و دسترسی به فرصت‌ها (و آگاهی از این نوع دسترسی)، از جمله‌ی این عوامل اند (جکسون ۲۰۰۵).



نمودار ۱- شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت

به عنوان نتیجه‌ی ایجاد توازن میان عوامل بازدارنده و انگیزه‌ها

(جکسون، کرافورد، و گادبی ۱۹۹۳)

پژوهش‌های انجام‌شده در ایران

پژوهش در مورد عوامل بازدارنده‌ی افراد از مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت در کشورمان بسیار اندک و انگشت‌شمار است؛ علاوه بر آن که دارای الگویی واحد نیز نیست و به شیوه‌ی متفاوت انجام می‌گیرد.

در پژوهشی که به وسیله‌ی صفانیا (۱۳۸۰) در مورد رابطه‌ی سن و شرکت در فعالیت‌های ورزش تفریحی انجام گرفت، مشخص شد که بسیاری از افراد ۲۵ساله‌ی متأهل تمایل دارند در اوقات فراغت، به ورزش‌ها و فعالیت‌هایی که در دوران جوانی انجام می‌داده‌اند بپردازند؛ ضمن این که شرط حضورشان، همراهی دوستان قدیمی با آنها است؛ بدین ترتیب، افزایش سن مانع ادامه‌ی فعالیت ورزشی آنها نشده‌است.

در پی شناخت عوامل بازدارنده از فعالیتهای ورزشی در اوقات فراغت دانشجویان یک دانشگاه در شهر اصفهان و مقایسه‌ی عوامل بازدارنده، بر حسب متغیرهای جنسیت و شرکت در فعالیتهای ورزشی، مشخص شد که عوامل بازدارنده به ترتیب اهمیت عبارت اند از: وقت، علاقه، پول، امکانات، ناآگاهی، مهارت، روابط اجتماعی، وسیله‌ی نقلیه، و آمادگی جسمانی. این پژوهش، نشان می‌دهد که در محیط دانشگاهی مورد نظر هیچ یک از عوامل مورد مطالعه، به طور جدی مانع از فعالیتهای ورزشی دانشجویان نمی‌شوند (داداشی ۱۳۷۹). پژوهشی دیگر در یکی از دانشگاه‌های ایران نیز نشان داد که ۴۰ درصد از دانشجویان دختر، در هیچ فعالیت ورزشی شرکت نمی‌کنند و علت آن، کمبود وقت، امکانات، علاقه، پول، وسیله‌ی نقلیه، روابط اجتماعی، ناآگاهی، مهارت، و سلامتی اعلام شده است (احسانی و عزب‌دفتران ۱۳۸۲).

پژوهشی که بر روی موانع مشارکت بانوان در فعالیتهای ورزشی در ایران انجام شد نشان داد که عدم مشارکت بانوان در فعالیتهای ورزشی به دلیل عوامل جسمانی نظیر بیماری‌ها، معلولیت‌ها، چاقی؛ عوامل روانی نظیر بی‌حوصلگی، اضطراب، افسردگی، بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی؛ عوامل مربوط به نگرش خانواده، وضعیت اقتصادی، شرایط فیزیولوژیک، عدم دسترسی به فضای مناسب؛ و عوامل اجتماعی و فرهنگی است (سلامی، نوروزیان، و میرفتاح ۱۳۸۳).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان مجرد نسبت به زنان متأهل روزهای بیش‌تری در هفته و ساعات بیش‌تری در روز را به ورزش اختصاص می‌دهند. بر پایه‌ی این بررسی‌ها، عوامل بازدارنده‌ی ورزش بانوان عبارت اند از: عوامل فرهنگی-اجتماعی (۴۲ درصد)، عوامل اقتصادی و امکاناتی (۸۰ درصد)، و عوامل اطلاعاتی-تبلیغاتی-مدیریتی (۱۹ درصد) (مرکز تحقیقات، مطالعات، و سنجش برنامه‌ی صدا و سیما ۱۳۷۵).

در پژوهشی دیگر مشخص شد که زنان برای فعالیتهای جسمانی، موانع بیش‌تری نسبت به مردان دارند. نتایج این پژوهش، علل حضور نیافتن زنان را در فعالیتهای ورزشی، نداشتن یار کافی برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسیله‌ی نقلیه، و ناتوانی جسمی، بیان کرده است. اعلام عدم اطلاع‌رسانی کافی به عنوان عاملی بازدارنده، و این مسئله که در زنان با تحصیلات بالاتر، موانع کم‌تری به عنوان مشکل وجود دارد نیز از نتایج دیگر این پژوهش است (احسانی، هاردمن، و کرول^۱ ۱۹۹۶).

¹ Ehsani, Mohammad, Ken Hardman, and Bob Carroll



پژوهشی که به منظور بررسی عوامل بازدارنده‌ی مشارکت ورزشی در میان بانوان کارمند شهر اصفهان و ارائه‌ی راه‌کارهای مؤثر در این زمینه انجام شد، نشان داد که عوامل اقتصادی، عوامل مربوط به امکانات، و عوامل فرهنگی-اجتماعی، بیش‌ترین اثر بازدارندگی را در مشارکت ورزشی بانوان کارمند دارا است (هاشمی ۱۳۸۵).

در بررسی میزان استفاده‌ی زنان از امکانات ورزشی، نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد عواملی که مانع مشارکت زنان در ورزش می‌شوند و یا آن را محدود می‌کنند، به ترتیب عبارت اند از: عدم دسترسی به امکانات ورزشی، مناسب نبودن زمان برنامه‌های ورزشی مختص به زنان، گرانی هزینه‌ی ثبت‌نام، نداشتن وقت، و مخالفت اعضای خانواده. ضمناً این پژوهش نشان می‌دهد که افراد با سن بالای ۴۵ سال نسبت به جوان‌ترها، و نیز زنان متأهل نسبت به زنان مجرد، بیش‌تر در فعالیتهای ورزشی شرکت می‌کنند (صدارتی ۱۳۸۵).

پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای جهان

رابطه‌ی منفی سن و شرکت در فعالیتهای ورزشی، در ادبیات پژوهش اوقات فراغت به خوبی گنجانده شده‌است. اطلاعات حاصل از مرکز آمار انگلستان^۱ (ماتیسون^۲ ۱۹۹۱؛ کولتر، دوورس، و بکس‌تر^۳ ۱۹۹۵) و پژوهش‌های محلی (برای نمونه، بوئی تون‌گات، و تاون‌سند ۱۹۸۱)، این نتایج را تأیید کرده، نشان می‌دهند که میزان شرکت در ورزش با بالا رفتن سن کاهش می‌یابد. کولتر، دوورس، و بکس‌تر (۱۹۹۵) نیز مدارکی را برای تأیید این امر که سن مهم‌ترین و قوی‌ترین عامل میزان مشارکت در بیش‌تر فعالیتهای ورزشی است، ارائه می‌دهند.

پژوهش‌های گرتون و تاپس^۴ (۱۹۹۱)، و کولتر، دوورس، و بکس‌تر (۱۹۹۵)، علاوه بر بیان ارتباط قوی بین سطح تحصیلات و شرکت در ورزش، نشان می‌دهند:

– افرادی که به صورت تمام‌وقت تحصیل می‌کنند (سنین بالای ۱۸ سال و نیز ۱۶ تا ۱۷ سال)، بیش‌ترین میزان مشارکت در فعالیتهای ورزشی را دارند؛

– در بین جوانان ۱۶ تا ۱۷ سالی که به طور تمام‌وقت تحصیل می‌کنند، بالاترین میزان شرکت در فعالیتهای ورزشی مشاهده می‌شود؛

– رابطه‌ی میان کیفیت تحصیل و شرکت در فعالیتهای ورزشی، مثبت و معنادار است. در پژوهشی که الکساندریس و کروول^۵ (۱۹۹۷) انجام داده‌اند، نتایج زیر حاصل شد:

^۱ Household Survey in England

^۲ Matheson, Jil

^۳ Coalter, Fred, Steve Dowers, and Mike Baxter

^۴ Gratton, Chris, and Alan Tice

^۵ Alexandris, Konstantinos, and Bob Carroll

- زنان به طوری معنادار بیش از مردان با عوامل بازدارنده مواجه اند و خصوصاً عوامل بازدارنده‌ی فردی در این مورد بیش از سایر عوامل بروز می‌کند؛
- مواجهه با عوامل بازدارنده در بین افراد دارای تحصیلات پایین و افراد تحصیل‌نکرده به طوری معنادار بیش‌تر از افراد تحصیل‌کرده است؛
- بین درک و مواجهه با عوامل بازدارنده و سن، رابطه‌ی U-ی معکوس وجود دارد؛
- عامل بازدارنده‌ی زمان در بین افراد متأهل بیش از افراد مجرد است.
- علاوه بر مسائلی که گفته‌شد، رابطه‌ی بین طبقات عوامل بازدارنده و خصوصیات فردی مثل سن و درآمد، تمایل به ثابت ماندن و عدم تغییر دارد؛ آن‌چنان که جکسون (۲۰۰۰) نتیجه می‌گیرد:
- فقدان مهارت و توانایی، کم‌ترین اهمیت را در تمام سنین دارد، ولی با افزایش سن، اهمیت آن به تدریج و به آهستگی رشد می‌کند.
- اهمیت هزینه با افزایش سن کم می‌شود، ولی در ابتدا مهم‌ترین عامل بازدارنده‌ی فرد از مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت است.
- اهمیت عامل بازدارنده‌ی کیفیت و کمیت تأسیسات ورزشی با افزایش سن هیچ تغییری نمی‌کند.
- جداسازی به صورت U شکل است؛ یعنی در سال‌های جوانی به عنوان یک عامل بازدارنده اهمیت زیادی دارد، در دوران میان‌سالی اهمیت آن کم می‌شود، و سپس با افزایش سن اهمیت می‌یابد.
- عامل بازدارنده‌ی زمان و تعهدات، به صورت یک منحنی U شکل برعکس است و همیشه اهمیتی زیاد به عنوان عامل بازدارنده‌ی فرد از مشارکت در اوقات فراغت داشته‌است.
- بررسی‌ها نشان می‌دهند که زنان ورزش را جزو فعالیت‌های اوقات فراغت نمی‌دانند و به همین دلیل در زمان فراغت‌شان در آن مشارکت نمی‌کنند؛ که این امر حاصل نگرش غلط در باره‌ی زنان است (دیم^۱ ۱۹۸۷). بیش‌تر پژوهش‌های انجام‌شده به وسیله‌ی پژوهش‌گران به موضوع کمبود زمان در بین زنان توجه دارد و نشان می‌دهد استرس زمان و کمبود وقت از عوامل بازدارنده‌ی بزرگ در زندگی زنان است. مسئولیت‌های اداری زنان و مسئولیت‌های آن‌ها در خانه، وقتی ناچیز را برای استراحت شخصی، آرامش یافتن، و توسعه‌ی فعالیت‌های اوقات فراغت زنان باقی می‌گذارد (هندرسون، استال‌نیکر، و تی‌لر^۲ ۱۹۸۸؛ گرین، هبرون، و وودوارد^۳ ۱۹۹۰).

¹ Deem, Rosemary

² Henderson, Karla A., Deboah Stalnaker, and Glenda Taylor

³ Green, Eileen, Sandra Hebron, and Diana Woodward



یکی دیگر از عوامل فردی که مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اوقات فراغت می‌شود، نگرش خود زنان و فقدان اعتماد به نفس آن‌ها است. کاهش اعتماد به نفس در دختران جوان و افکار مزاحمی که در مورد شکل بدن و ظاهر خود دارند، در پژوهش‌های متعدد به عنوان عامل بازدارنده‌ی آنان از مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت معرفی شده‌است (شاو^۱؛ هندرسون و کینگ^۲؛ ۱۹۹۸).

در مطالعه‌ی نشان داده‌شده‌است که زنان استرالیایی بیش‌تر سعی می‌کنند تا فعالیت‌های اوقات فراغت خود را در کنار خانواده بگذرانند. این امر باعث می‌شود که زنان، اوقات فراغت کم‌تری را برای خود و به میل خود داشته‌باشند. این زنان وقت قابل‌ملاحظه‌ی را صرف تلاش برای اطمینان یافتن از اثرات مثبت اوقات فراغت خانواده بر کودکان، همسر، و سایر اعضای خانواده‌شان می‌کنند و این امر به قیمت از دست دادن تمایلات و علایق شخصی خود آن‌ها به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت منجر می‌شود (بلا^۳؛ ۱۹۹۲).

پژوهش‌هایی که در مورد اوقات فراغت زنان انجام شده‌است، نشان می‌دهد که موقعیت زنان در جامعه، محدودیت آن‌ها در دستیابی به منابع ورزشی، و انتظارات اجتماع در مورد زندگی زنان، نقش‌ها، و مسئولیت‌هایی که بر عهده‌ی آن‌ها است، موجب می‌شود تا آزادی زنان کاهش یابد و نیز انتخاب‌های آن‌ها محدود یا با مانع مواجه شود (ویم‌بوش و تالبوت^۴؛ ۱۹۸۸؛ گرین، هبرون، و وودوارد؛ ۱۹۹۰؛ شاو؛ ۱۹۹۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مسئولیت زنان در منزل، بیش از ساعات کار ایشان در خارج از منزل، وقت آن‌ها را می‌گیرد؛ به طوری که این زنان هیچ زمانی را برای خود و شرکت در فعالیت‌های مورد علاقه‌شان نمی‌یابند و این امر عامل بازدارنده‌ی بسیار مهمی برای عدم شرکت بانوان در فعالیت‌های اوقات فراغت است (کرافورد و هاستون^۵؛ ۱۹۹۳). مطالعات، گویای این واقعیت است که عامل توجه به دیگران، با افزایش سن زنان اهمیت خود را از دست می‌دهد؛ یعنی با بزرگ شدن فرزندان و ترک منزل، زنان وقت بیش‌تری برای خود و مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت مورد علاقه‌ی خود می‌یابند (بیالسکی و میچنر^۶؛ ۱۹۹۴).

در پژوهش زیبلند و هم‌کاران^۷ (۱۹۹۸) مشخص شد که دو دلیل موانع درونی (نظیر نبود علاقه‌مندی، تنبلی، نبود وقت کافی) و موانع خارجی (نظیر نبود وسایل نقلیه، عدم

¹ Shaw, Susan M.

² Henderson, Karla A., and Kathryn King

³ Bella, Leslie

⁴ Wimbush, Erica, and Margaret Talbot

⁵ Crawford, Duane W., and Ted L. Huston

⁶ Bialeschki, M. Deborah, and Sarah Michener

⁷ Ziebland, Sue, Margaret Thorogood, Pat Yudkin, Lesley Jones, and Angela Coulter

توانایی برای پرداخت شهریه‌ی کلاس‌ها)، باعث می‌شود تا زنان در برنامه‌های ورزشی حفظ سلامت و لاغری شرکت نکنند. نتایج این پژوهش نشان داد که افرادی که با موانع درونی مواجه اند در مقایسه با افرادی که با موانع خارجی مواجه اند، کمتر در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که با تولد اولین فرزند، وقت زنان به طور قابل‌ملاحظه‌یی محدود می‌شود و زمان کافی برای شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت نمی‌یابند (فردریک و فست^۱، ۱۹۹۹).

در بسیاری از پژوهش‌ها ثابت شده‌است که ترس از خشونت جسمانی به عنوان عاملی مهم در بازدارندگی زنان از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و اوقات فراغت نقش دارد (بیالسکی^۲، ۱۹۹۹؛ کار^۳، ۲۰۰۰).

تصور از شکل ظاهری بدن، سطح مهارت، و ترس از مناسب نبودن برای فعالیتی معین، می‌تواند زنان را از مشارکت در فعالیت‌های مختلف باز دارد (فردریک و شاو^۴، ۱۹۹۵؛ لافرانس، زی‌ویان، و مایرز^۵، ۲۰۰۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دوستان زنان در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اوقات فراغت نقشی بسیار مهم دارند (گرین و هبرون^۶، ۱۹۸۸)؛ علاوه بر این، عدم تأیید اجتماعی، که می‌تواند از طرف دوستان، اعضای خانواده، و یا افرادی که به نوعی می‌توانند دلالی بر عدم تأیید آن فعالیت ارائه دهند و فرد را در انجام آن همراهی نکنند، می‌تواند در بازداشتن زنان از مشارکت در فعالیت‌ها عاملی مهم به حساب آید. کنترل‌های اجتماعی زندگی زنان به وسیله‌ی شوهرانی که فعالیت آن‌ها را مورد تشویق و ترغیب قرار نمی‌دهند، یا به روش‌های مختلف، مشارکت زنان را برای شرکت در فعالیت‌های مورد علاقه‌شان با دشواری و مشکل روبه‌رو می‌کنند، نیز از این نوع عوامل به شمار می‌آید (گرین، هبرون، و وودوارد^۷، ۱۹۸۷؛ گرین، هبرون، و وودوارد^۸، ۱۹۹۰؛ کالپ^۹، ۱۹۹۸).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نظر دیگران در مورد مناسب بودن فعالیت‌ها می‌تواند بر مشارکت زنان در آن فعالیت تأثیر داشته‌باشد؛ به گونه‌یی که مثلاً زنان را از فعالیت در زمینه‌هایی نظیر بوکس، راگبی، فوتبال، هاکی روی یخ، و گشتی، که به نظر دیگران فعالیت‌هایی مردانه است، منع کند (وایلی، شاو، و هویتز^۸، ۲۰۰۰).

¹ Frederick, Judith A., and Janet E. Fast

² Bialeschki, M. Deborah

³ Carr, Neil

⁴ Frederick, C. Jody, and Susan M. Shaw

⁵ Lafrance, Michelle N., Marilyn T. Zivian, and Anita M. Myers

⁶ Green, Eileen, and Sandra Hebron

⁷ Culp, Rocklynn H.

⁸ Wiley, Caroline G. E., Susan M. Shaw, and Mark E. Havitz



نتیجه‌ی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کمبود فضاهای ورزشی مناسب دختران، یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی زنان و دختران از شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت است (کینگ^۱ ۲۰۰۰).

وقتی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت را بررسی می‌کنیم، بسیار مهم است که تشخیص دهیم و دریابیم که چه‌گونه جنسیت و فرهنگ بر یک‌دیگر اثر می‌گذارند؛ مثلاً در بعضی از فرهنگ‌ها، دختران برای شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت اصلاً ترغیب و تشویق نمی‌شوند؛ در حالی که پسران برای این امر به‌شدت مورد تشویق قرار می‌گیرند (ادوبرا و هم‌کاران^۲ ۲۰۰۲). در زنان جوان نیز مشخص شده‌است که آن‌ها آن دسته از فعالیت‌های اوقات فراغت که موجب رضایت و خوشنودی همسران‌شان است شرکت می‌کنند (هریج، شاو، و منل^۳ ۲۰۰۳).

در پژوهشی که بر دختران کالج و مادران‌شان انجام شد تصویر ذهنی و باور آن‌ها در مورد ظاهرشان و رابطه‌ی آن با عوامل بازدارنده از مشارکت در ورزش مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که تصویر ذهنی این زنان از خود و از نوع ظاهر بدنی خویش، عامل بازدارنده‌ی ایشان از مشارکت در ورزش است (لیچتی، فری‌من، و زابریسکی^۴ ۲۰۰۶). نقش اعتقادات مذهبی در مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی، موضوع پژوهش دیگری است که در آن نشان داده‌شد بعضی از زنان مسلمان، ورزش را امری مردانه می‌دانند و در آن مشارکت نمی‌کنند؛ اما دسته‌ی دیگر از زنان مسلمان که هم به مذهب خود و هم به جنبه‌ی کسب سلامت بدن در اسلام توجه دارند، بسیار جدی و علاقه‌مند در ورزش شرکت می‌کنند (والست^۵ ۲۰۰۶).

روش انجام پژوهش

روش پژوهش از نوع پیمایشی است. در این پژوهش، پرسش‌نامه‌های نمونه‌ی جامعه‌ی آماری، پس از تهیه و تدوین، در مورد زنان استان تهران، که با استفاده از نمونه‌گیری چندمرحله‌ی خوشه‌ی انتخاب شدند، اجرا شد.

¹ King, Kathryn

² Adubra, E., Linda L. Caldwell, Daniel Perkins, L. Adubra, and Edward A. Smith

³ Herridge, Kristi L., Susan M. Shaw, and Roger C. Mannell

⁴ Liechty, Toni, Patti Freeman, and Ramon Zabriskie

⁵ Walseth, Kristin

جامعه‌ی آماری و حجم نمونه

جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل همه‌ی بانوان ۱۸ سال به بالای ساکن شهر تهران بود، که ۵'۴۲۷'۷۰۷ نفر برآورد شده‌است؛ به این ترتیب زنان بالای ۱۸ سال، با توجه به تمام مشخصه‌های موجود در زنان شهر تهران، اعم از سن، وضعیت تأهل، اشتغال، فرزند، و تحصیلات، باید مورد توجه قرار می‌گرفتند. برای این منظور، ابتدا به تنها آمار قابل‌استفاده، که مربوط به سرشماری نفوس شهر تهران در سال ۱۳۷۵ بود، مراجعه، و جمعیت زنان این شهر معادل ۵'۴۲۷'۷۰۷ نفر تعیین شد. تعداد نمونه، با استفاده از جدول مورگان و سطوح متغیرهای پژوهش ۱۲۰۰ نفر محاسبه شد، که این تعداد می‌بایست از سراسر شهر تهران انتخاب می‌شدند. با توجه به این که در هر پژوهش امکان افت آزمودنی وجود دارد، تعداد ۱۵۰۰ پرسش‌نامه آماده‌ی توزیع شد.

روش نمونه‌گیری

برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌یی-خوشه‌یی استفاده شد. برای دستیابی به افراد مورد نظر پژوهش و ارائه‌ی پرسش‌نامه به آن‌ها نیز سعی شد تا مکان‌هایی مناسب که بانوان شهر تهران با ویژگی‌های مختلف مورد نظر این پژوهش، در آن جا تجمع می‌کنند شناسایی شوند؛ به این ترتیب پس از بررسی مکان‌های مختلف، در نهایت فرهنگ‌سراها به عنوان مناسب‌ترین مکان از نظر مراجعه و تجمع زنان شهر از اقشار و طبقات مختلف انتخاب شدند. برای شناسایی تعداد فرهنگ‌سراهای موجود در هر منطقه، نقشه‌ی مناطق شهرداری شهر تهران تهیه و بر اساس آن اقدام به تقسیم این شهر به پنج منطقه‌ی شمال، جنوب، شرق، غرب، و مرکز شد که در هر بخش تعدادی از مناطق شهر تهران جای گرفت؛ سپس با استفاده از فرمول تعیین نمونه، اقدام به محاسبه‌ی سهم نمونه‌ی مورد بررسی در هر منطقه و فرهنگ‌سرای واقع در هر یک از بخش‌های جغرافیایی شهر تهران شد. در پایان، پرسش‌نامه‌ها بین افرادی که به طور تصادفی در فرهنگ‌سراها حضور می‌یافتند، توزیع شد.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، پرسش‌نامه‌ی پژوهش‌گرساخته‌یی با ۴۴ سؤال است، که پس از اقدامات زیر تهیه شد:



۱- با مراجعه به تعداد ۱۶ پرسش‌نامه، که به وسیله‌ی پژوهش‌گران مختلف در سایر کشورها تهیه و اجرا شده‌بود (در پیشینه‌ی پژوهش به آن‌ها اشاره شد)، فاکتورهای مختلف و مشترک جمع‌آوری شد.

۲- برای اعتباربخشی به سؤال‌های پرسش‌نامه و نیز افزایش عوامل آن مطابق با هنجارهای بومی، ابزار در اختیار ۲۰ نفر از ورزش‌کاران زن باشگاهی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته‌شد تا چنانچه عامل دیگری را نیز در بازدارندگی زنان شهر تهران از حضور در فعالیت‌های ورزش تفریحی مؤثر می‌دانند، در ستونی که در کنار پرسش‌نامه وجود دارد، ثبت کنند؛ به این ترتیب، ۳۰ عامل دیگر نیز شناخته‌شد. برای بررسی روایی محتوایی سؤال‌های ابزار هم، از ۱۰ نفر متخصص رشته‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی خواسته‌شد تا بر اساس مدل کرافورد، سؤال‌ها را مورد تأیید قرار دهند. با توجه به نظر متخصصان، تعدادی از عوامل شناخته‌شده، به دلیل شباهت با عوامل قبلی حذف، و یا در طبقه‌هایی دیگر قرار گرفت و در نهایت پرسش‌نامه‌یی با تعداد ۴۴ گزینه، که با روش لیکرت امتیازبندی شده‌بود، به دست آمد.

۳- برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ی تهیه‌شده، اقدام به توزیع پرسش‌نامه بین تعداد ۷۰ نفر از دختران دانشجوی دانشگاه الزهرا شد، که نتایج آلفای کرونباخ، به تفکیک مؤلفه‌های فردی، بین‌فردی، ساختاری، و کل در جدول‌های زیر درج شده‌است.

نتایج آزمون پایایی پرسش‌نامه

نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل واریانس کوکران نشان می‌دهد که ضریب پایایی درونی آلفای کرونباخ برای کل سؤال‌های پرسش‌نامه، از لحاظ آماری معنادار است؛ از این رو با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت ابزار پژوهش از ثبات درونی مناسبی برخوردار است (جدول ۱).

جدول ۱- نتایج آزمون پایایی پرسش‌نامه‌ی پژوهش

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجدورات	آزمون کوکران Q	تعداد سؤال‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
واریانس بین سؤال‌ها	۱۴۰۰	۷۳	۳۲/۵۷	۶۱۱*	۴۴	۰/۹۳
واریانس باقی‌مانده	۶۴۷۷	۳۳۹۷	۱/۹۰			
واریانس کل	۷۸۷۷	۳۴۴۰	۲/۲۹			

* $p < 0.005$

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش، داده‌های فرضیه‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر تک‌متغیره و نیز آزمون تعقیبی LSD مورد تحلیل آماری قرار گرفت؛ در ضمن برای متغیرهای اصلی نیز جدول‌های توصیفی تهیه شده‌است.

یافته‌های پژوهش

ترکیب عوامل بازدارنده‌ی سه‌گانه‌ی مدل سلسله‌مراتبی اوقات فراغت

نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر نشان می‌دهد که حداقل تفاوت واریانس یکی از عوامل، از لحاظ آماری معنادار است (جدول ۲). برای تعیین معناداری میانگین عوامل، اجرای آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد که از نظر بانوان، عوامل ساختاری، فردی، و بین‌فردی، به ترتیب، از جمله عوامل بازدارنده‌ی آنان از شرکت در فعالیت‌های ورزشی در شهر تهران است (جدول ۳).

جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل واریانس ترکیب عوامل سه‌گانه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F
واریانس عوامل	۱۸۰۳۹۰۱	۱	۱۸۰۳۹۰۱	*۹۷۶۶
واریانس خطا	۳۳۳۰۹۶	۱۲۶۲	۱۸۴	

* $p < 0.005$

جدول ۳- نتایج آزمون تعقیبی ترکیب عوامل سه‌گانه

میانگین‌ها	تفاوت میانگین‌ها		
	$X_1 = 25.1$	$X_2 = 20.0$	$X_3 = 78.5$
میانگین عوامل فردی = ۲۵/۱	—	*۵/۱	*۵۳/۰
میانگین عوامل بین‌فردی = ۲۰/۰		—	۵۸/۵
میانگین عوامل ساختاری = ۷۸/۵			—

* $p < 0.005$

نتایج این پژوهش نشان داد که ترتیب عوامل سه‌گانه‌ی مدل کرافورد و گادبی^۱ ثابت و قطعی نیست و این امر با نتایج پژوهش‌های الکساندریس و کرول (۱۹۹۷)، جکسون (۲۰۰۰)، هویارد و منل^۲ (۲۰۰۱)، و جکسون (۲۰۰۵) مغایرت دارد. در مدل کرافورد، اولین عامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت، عوامل بازدارنده‌ی فردی است و سپس به ترتیب،

^۱ Crawford, Duane W., and Geoffrey Godbey

^۲ Hubbard, Jennifer, and Roger C. Mannell



عوامل بین‌فردی و ساختاری قرار دارند، اما پژوهش حاضر نشان داد که در کشور ما این ترتیب به صورت عوامل ساختاری، عوامل فردی و بین‌فردی تغییر می‌یابد. در این حالت به نظر می‌آید فرضیه‌ی اصلی این پژوهش رد می‌شود و تعمیم مدل کرافورد به تمام انسان‌ها و شرایط مختلفی که آن‌ها در آن زندگی می‌کنند امکان‌پذیر نیست.

ترتیب و توالی عوامل سه‌گانه، وابسته به شرایطی خاص است که افراد در آن به سر می‌برند و همان‌طور که نظریه‌ی مازلو^۱ (علوی ۱۳۸۱) اشاره می‌کند، سلسله‌مراتب نیازهای انسانی در جوامع مختلف تابعی است از شرایط موجود در آن جامعه. با توجه به کمبودهایی که در هر جامعه وجود دارد، اهمیت یک طبقه از نیازهای انسانی بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد و اساساً در جوامعی که از نظر اقتصادی با مشکلاتی جدی مواجه‌اند، نیازهای اولیه‌ی انسانی بر سایر نیازها غلبه می‌کند و مانع بروز آن‌ها می‌شود. به نظر می‌آید در جامعه‌ی ما، که مشکل اقتصادی مهم‌ترین مشکل مردم است، شرکت در فعالیت‌های ورزشی تابعی است از نیاز اقتصادی، امنیت، سلامت جسمانی، و در مرحله‌ی بعد نوع نگرش فرهنگی و اعتقادات مردم. بر پایه‌ی این برداشت، از آن‌جا که بروز عوامل بازدارنده به معنای بروز مانع و مشکل در جهت رفع نیازهای دسترسی افراد به محیط‌های ورزشی است، لذا اولین نیاز زنان جامعه‌ی ما برای حضور در فعالیت‌های ورزشی، رفع عوامل ساختاری نظیر درآمد کافی، وجود وسیله‌ی نقلیه، احراز سلامت جسمانی، و نظیر آن‌ها است؛ سپس نگرش خود زنان، جامعه، و وابستگی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌گیرد؛ و در نهایت عوامل بین‌فردی، که بیان‌گر لزوم همراه و دوست در فعالیت‌های اوقات فراغت است، مهم تلقی می‌شود.

همان‌طور که در پژوهش‌های مرکز تحقیقات، مطالعات، و سنجش برنامه‌ی صدا و سیما (۱۳۷۵)، سلامی، نوروزیان، و میرفتاح (۱۳۸۳)، و مشکاتی و والیانی (۱۳۸۳) نشان داده شده‌است، مهم‌ترین عامل عدم شرکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی، عوامل ساختاری نظیر پول، وسیله‌ی نقلیه، تعهدات خانوادگی، اشتغال، کمبود وقت، و عدم دسترسی به فضاهای ورزشی است؛ سپس عوامل فردی نظیر نگرش جامعه نسبت به ورزش زنان و نقش جنسیتی زنان قرار دارد؛ و در آخر نیز نظر وابستگی در مورد پیوستن زنان به ورزش اهمیت می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر، هم‌سو با آن دسته یافته‌های پژوهشی است که به وسیله‌ی داداشی (۱۳۷۹)، احسانی و عزب‌دفتران (۱۳۸۲)، و شجاع‌الدین (۱۳۸۳) در ایران صورت گرفت و پژوهش چیک و دانگ^۲ (۲۰۰۴) بر روی جامعه‌ی منتخبی از چین نیز بر آن مهر

^۱ Maslow, Abraham Harold (1908-1970)

^۲ Chick, Garry, and Erwei Dong

تأیید می‌زند. البته، چیک و دانگ (همان) علت عدم تطابق ترکیب عوامل سه‌گانه‌ی مدل کرافورد را در چین، اختلافات فرهنگی بین جامعه‌ی شرق و غرب می‌دانند، که شاید این امر در ایران نیز مصداق داشته‌باشد. نتایج پژوهش‌های *دادشی* (۱۳۷۹)، *احسانی* و *عزب‌دفتران* (۱۳۸۲)، و نیز *شجاع‌الدین* (۱۳۸۳) در مورد اولویت اثر عوامل ساختاری بر مشارکت افراد در ورزش تأکید دارد و توجه به نتایج این پژوهش‌ها و هم‌سو بودن آن با نتایج پژوهش حاضر، نشان‌دهنده‌ی ترتیب و توالی ثابت عوامل بازدارنده‌ی سه‌گانه این مدل در ایران است. در پژوهش‌های مختلف مشخص شده‌است که توالی این عوامل در مدل اصلی، در همه‌ی کشورهای دنیا ثابت نیست و متناسب با شرایط کشورها تغییر می‌یابد؛ هم‌چنان که نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های نام‌برده، بیان‌گر اولویت تأثیر عوامل بازدارنده‌ی ساختاری در روند مشارکت افراد در ایران است.

عوامل بازدارنده‌ی ساختاری و زنان شهر تهران

آن‌چه در نتایج پژوهش‌های *دادشی* (۱۳۷۹)، *احسانی* و *عزب‌دفتران* (۱۳۸۲)، *سلامی*، *نوروزیان*، و *میرفتاح* (۱۳۸۳)، *شجاع‌الدین* (۱۳۸۳)، *مشکاتی* و *والیانی* (۱۳۸۳)، *هاشمی* (۱۳۸۵)، و *صدارتی* (۱۳۸۵) در ایران گفته‌شد، نمایان‌گر اثر و اهمیت ویژه‌ی عوامل ساختاری بر مشارکت افراد در ورزش است و این امر در پژوهش حاضر نیز تأیید شده‌است. در بین زنان شهر تهران، عوامل ساختاری به عنوان مهم‌ترین عامل اثرگذار بر مشارکت ایشان در فعالیت‌های ورزشی شناخته‌شده‌است و این امر مؤید نتایج پژوهش‌هایی است که به وسیله‌ی *گرین*، *هیرون*، و *وودوارد* (۱۹۹۰)، *ویم‌بوش* و *تالبوت* (۱۹۸۸)، *زیلند* و هم‌کاران (۱۹۹۸)، و سایر پژوهش‌های مشابه صورت گرفته‌است و همگی بر اهمیت زیاد عوامل بازدارنده‌ی ساختاری در مشارکت افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت توافق نظر دارند.

عوامل بازدارنده‌ی فردی و زنان شهر تهران

نقش عوامل بازدارنده‌ی فردی، یعنی نگرش جامعه نسبت به فعالیت‌های خاص زنان، نگرش زنان نسبت به فعالیت‌های ورزشی، اعتماد به نفس و تصویر از خود، ترس از عدم امنیت، و خجالتی بودن، عواملی اند که بعد از عوامل ساختاری، به عنوان عوامل بازدارنده‌ی زنان شهر تهران از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی اهمیت دارند؛ این در حالی است که *دیم* (۱۹۸۷)، *هندرسون* و *کینگ* (۱۹۹۸)، *شاو* (۱۹۹۱)، *گرین*، *هیرون*، و *وودوارد* (۱۹۸۷)، *فرانسسیس*^۱ (۱۹۹۷) و *بیالسکی* (۱۹۹۹) و دیگر پژوهش‌گران کشورهای غربی در پژوهش‌های خود نشان

^۱ Frances, S. L.



داده‌اند که عامل فردی، اولین و قوی‌ترین عامل بازدارنده در بین افراد، خصوصاً در بین زنان است.

عوامل بازدارنده‌ی بین‌فردی و زنان شهر تهران

در مورد عوامل بین‌فردی پژوهش‌هایی اندک انجام شده‌است، اما به هر حال یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عوامل بین‌فردی، آخرین عامل اثرگذار بر مشارکت بانوان در مدل سلسله‌مراتبی-عوامل بازدارنده است. پژوهش‌های انجام‌شده بر محور عوامل بازدارنده‌ی بین‌فردی (هندرسون، استال‌نیکر، و تی‌لر ۱۹۸۸؛ گرین، هیرون، و وودوارد ۱۹۸۷)، گویای اهمیت این عوامل و تأثیر آن بر مشارکت زنان در فعالیت‌های اوقات فراغت است، ولی اولویت این عوامل نسبت به دو عامل دیگر در این پژوهش‌ها مورد توجه نبوده‌است.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس ترکیب عوامل سه‌گانه در رابطه با متغیر خصوصیات فردی

متغیر	منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F
سن	عوامل	۸۸۱۸۰۷	۱	۸۸۱۸۰۷	*۴۸۰۴
	عوامل × سن	۵۵۱	۲	۲۷۵	۱٫۵
	خطا	۲۲۶۳۲۴	۱۲۳۳	۱۸۳	
تأهل	عوامل	۱۷۹۱۷۵۸	۱	۱۷۹۱۷۵۸	*۹۸۲۳
	عوامل × تأهل	۵۲۹	۱	۵۲۹	۲٫۹
	خطا	۲۲۸۷۱۵	۱۲۵۴	۱۸۲	
تحصیلات	عوامل	۳۱۱۱۱۳	۱	۳۱۱۱۱۳	*۱۶۸۶
	عوامل × تحصیلات	۷۰۷	۲	۳۵۳	۱٫۹
	خطا	۲۲۸۶۸۷	۱۲۴۰	۱۸۴۲	
فرزند	عوامل	۲۹۰۷۴۰	۱	۲۹۰۷۴۰	*۱۴۲۹
	عوامل × فرزند	۱۳۴	۳	۴۴٫۹	۰٫۲۲
	خطا	۱۱۳۷۳۱	۵۵۹	۲۰۳	
شغل	عوامل	۹۳۹۸۰۶	۱	۹۳۹۸۰۶	*۵۰۷۵
	عوامل × شغل	۲۵۰	۲	۱۲۵	۰٫۶۷
	خطا	۲۲۹۹۶۲	۱۲۴۲	۱۸۵	

* $p < 0.005$

خصوصیات فردی و مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده

بررسی خصوصیات فردی زنان تهران و ترتیب اولویت عوامل سه‌گانه‌ی بازدارنده‌ی اوقات فراغت، روی دیگر پژوهش حاضر بود که نتایج آن نشان داد ترتیب و توالی عوامل

بازدارنده‌ی مدل، در مورد هیچ یک از خصوصیات فردی که شامل سن، شغل، تحصیلات، تعداد فرزند، و وضعیت تأهل است، ثابت نیست و در تمامی این خصوصیات، ترتیب این عوامل با آنچه نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد سازگار است؛ به عبارت دیگر، خصوصیات فردی، ترتیب عوامل بازدارنده‌ی زنان شهر تهران را، که به ترتیب عبارت اند از عوامل بازدارنده‌ی ساختاری، عوامل بازدارنده‌ی فردی، و در نهایت عوامل بازدارنده‌ی بین‌فردی، تغییر نمی‌دهد و این ترتیب در تمام آن‌ها ثابت است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ترتیب و توالی عوامل بازدارنده‌ی مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده‌ی اوقات فراغت در جامعه‌ی زنان شهر تهران صدق نمی‌کند و این ترتیب و توالی، طبق آنچه یافته‌های پژوهش بر حسب اهمیت این عوامل نشان می‌دهد، عبارت است از اولویت اول- عوامل ساختاری، اولویت دوم- عوامل فردی، و اولویت سوم- عوامل بین‌فردی. از آن جا که نتایج قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که در کشورهای غربی صورت گرفته‌است، تأییدکننده‌ی تطابق سلسله‌مراتب عوامل بازدارنده در مدل مذکور با اهمیت آن در این کشورها است و در واقع صحت این مدل در این کشورها تأیید شده‌است، نتیجه‌ی به‌دست‌آمده در زنان جامعه‌ی ما باعث بروز سؤال‌هایی در مورد علت تغییر ترتیب و توالی ثابت مدل شده‌است. از نظر چیک و دانگ (۲۰۰۴)، عامل فرهنگ در تغییر ترتیب این عوامل، که در جامعه‌ی چینی نمونه‌ی آنان نیز روی داده‌است، بسیار اهمیت دارد و به نظر می‌آید در جامعه‌ی ما علاوه بر عامل فرهنگ، شرایط اقتصادی و اجتماعی زنان نیز اهمیت بسیاری در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی تفریحی دارد، که البته برای اثبات این ادعا نیاز به پژوهش‌های بعدی در این زمینه است.

ترتیب و توالی عوامل بازدارنده‌ی سه‌گانه‌ی مدل، طبق آنچه یافته‌های پژوهش حاضر به دست داده‌است، در مورد خصوصیات فردی ثابت است؛ یعنی در هر یک از خصیصه‌های فردی از جمله تأهل، سن، تحصیلات، و در تمام سطوح مختلف این متغیرها، عوامل ساختاری مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی زنان از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی اوقات فراغت است و هیچ یک از این متغیرها بر توالی عوامل سه‌گانه‌ی حاصل از یافته‌های این پژوهش تأثیر ندارد؛ به عبارت دیگر، عوامل ساختاری، مهم‌ترین عامل بازدارنده‌ی زنان تهران از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، در همه‌ی سطوح تحصیلی، سنی، و تأهل است.



منابع

- احسانی، محمد، و مریم عزب‌دفتران. ۱۳۸۲. «بررسی عامل‌های بازدارنده‌ی مشارکت فعالیت‌های ورزشی دختران دانشجو، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان». *المپیک* ۱۱(۳-۴): ۲۹-۴۰.
- داداشی، محمدصادق. ۱۳۷۹. «عوامل بازدارنده از فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- سلامی، فاطمه، منیژه نوروزیان، و فاطمه میرفتاح. ۱۳۸۳. «توصیف موانع شرکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی». طرح پژوهشی، پژوهشکده‌ی تربیت بدنی، وزارت علوم، تحقیقات، و فن‌آوری.
- شجاع‌الدین، سیدصدرالدین. ۱۳۸۳. «بررسی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت کارمندان ادارات آموزش و پرورش تهران با تأکید بر نقش تربیت بدنی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- صدارتنی، مریم. ۱۳۸۵. «بررسی میزان دسترسی زنان به تولیدات و خدمات ورزشی در سراسر کشور». نوشته‌ی چاپ‌نشده، معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء، دانشگاه الزهراء، تهران.
- صفاپنا، علی‌محمد. ۱۳۸۰. «نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه‌های آزاد اسلامی کشور با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی». *حرکت* ۹: ۱۲۷-۱۴۰.
- علوی، امین‌الله. ۱۳۸۱. *روانشناسی مدیریت و سازمان*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مرکز تحقیقات، مطالعات، و سنجش برنامه‌ی صدا و سیما. ۱۳۷۵. «نظرخواهی از زنان تهران در مورد ورزش بانوان». طرح پژوهشی، مرکز تحقیقات، مطالعات، و سنجش برنامه‌ی صدا و سیما، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- مشکاتی، زهره، و محبوبه والیانی. ۱۳۸۳. «بررسی نقش برخی عوامل در مشارکت دانشجویان دختر در کلاس درس تربیت بدنی ۲ (پینگ‌پنگ)». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، اصفهان.
- هاشمی، هاجر. ۱۳۸۵. «بررسی عوامل بازدارنده‌ی مشارکت ورزشی زنان کارمند و ارائه‌ی راه‌کارهای مؤثر در این زمینه». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان، خوراسگان، اصفهان.
- A dubra, E., Linda L. Caldwell, Daniel Perkins, L. A dubra, and Edward A. Smith. 2002. "Youth Capacity Building in Rural Togo: A Community Analysis." Technical report submitted to the Children, Youth, and Families Consortium, The Pennsylvania State University, University Park, PA, USA.
- Alexandris, Konstantinos, and Bob Carroll. 1997. "Demographic Differences in the Perception of Constraints on Recreational Sport Participation: Results from a Study in Greece." *Leisure Science* 16(2):107-125.
- Bella, Leslie. 1992. *The Christmas Imperative: Leisure Family and Women's Work*. Halifax, Nova Scotia, Canada: Fernwood Publishing.
- Bialeschki, M. Deborah. 1999. "Fear of Violence, Freedom, and Outdoor Recreation: A Feminist Viewpoint." Papers Presented at the 9th Canadian Congress on Leisure Research, 12-15 May 1999, Acadia University, Wolfville, Nova Scotia, Canada.
- Bialeschki, M. Deborah, and Sarah Michener. 1994. "Re-entering Leisure: Transition within the Role of Motherhood." *Journal of Leisure Research* 26(1):57-74.

- Boothby, John, Malcolm F. Tungatt, and Alan R. Townsend. 1981. "Ceasing Participation in Sports Activity: Reported Reasons and Their implications." *Journal of Leisure Research* 13(1):1-14.
- Carr, Neil. 2000. "An Exploratory Study of Young Women's Use of Leisure Spaces and Times: Constrained, Negotiated, or Unconstrained Behaviour?" *World Leisure* 42(3):25-32.
- Chick, Garry, and Erwei Dong. 2004. "Possibility of Refining the Hierarchical Model of Leisure Constraints through Cross-Cultural Research." Pp. 338-344 in *Proceedings of the 2003 Northeastern Recreation Research Symposium; 2003 April 6-8, Bolton Landing, NY, USA*, edited by James Murdy. Newtown Square, PA, USA: U.S. Department of Agriculture, Forest Service, Northeastern Research Station. General Technical Report NE-317.
- Coalter, Fred, Steve Dowers, and Mike Baxter. 1995. "The Impact of Social Class and Education on Sports Participation: Some Evidence from the General Household Survey." Pp. 59-71 in *Leisure and Social Stratification*, edited by Ken Roberts. Brighton, England: Leisure Studies Association.
- Crawford, Duane W., and Geoffrey Godbey. 1987. "Reconceptualizing Barriers to Family Leisure." *Leisure Sciences* 9(2):119-127.
- Crawford, Duane W., and Ted L. Huston. 1993. "The Impact of the Transition to Parenthood on Marital Leisure." *Personality and Social Psychology Bulletin* 19(1):39-46.
- Culp, Rocklynn H. 1998. "Adolescent Girls and Outdoor Recreation: A Case Study Examining Constraints and Effective Programming." *Journal of Leisure Research* 30(3):356-379.
- Deem, Rosemary. 1987. "Unleisured Lives: Sport in the Context of Women's Leisure." *Women's Studies International Forum* 10(4):423-432.
- Ehsani, Mohammad, Ken Hardman, and Bob Carroll. 1996. "A Comparative Study of Leisure Constraint Factors on the Sporting Activity of English and Iranian Students." Paper presented at the Annual Comparative Study Conference, September 1996, Tokyo, Japan.
- Frances, S. L. 1997. "Leisure as a Tool for Social Control: The Role of Leisure in the Lives of Women during and after Involvement in Abusive Relationships." P. 36 in *Abstracts from the 1997 Symposium on Leisure Research*, edited by John Hultsman and M. Deborah Bialeschki. Ashburn, VA: National Recreation and Park Association.
- Frederick, Judith A., and Janet E. Fast. 1999. "Eldercare in Canada: Who Does How Much?" *Canadian Social Trends* 54:26-30.
- Frederick, C. Jody, and Susan M. Shaw. 1995. "Body Image as a Leisure Constraint: Examining the Experience of Aerobic Exercise Classes for Young Women." *Leisure Sciences* 17(2):57-73.
- Goodale, Thomas L., and Peter A. Witt. 1989. "Recreation Non- Participation and Barriers to Leisure." Pp. 421-449 in *Understanding Leisure and Recreation: Mapping the Past, Charting the Future*, edited by Edgar L. Jackson and Thomas L. Burton. State College, PA, USA: Venture Publishing, Inc.
- Gratton, Chris, and Alan Tice. 1991. "The Demands for Sport: A Two Stage Econometric Model Using the 1977 General Household Survey." Discussion paper, Department of Economics, Manchester Polytechnic, Manchester, England.



- Green, Eileen, and Sandra Hebron. 1988. "Leisure and Male Partners." Pp. 37–47 in *Relative Freedoms: Women and Leisure*, edited by Erica Wimbush and Margaret Talbot. Milton Keynes, England: Open University Press.
- Green, Eileen, Sandra Hebron, and Diana Woodward. 1987. "Women, Leisure, and Social Control." Pp. 75–92 in *Women, Violence, and Social Control*, edited by Jalna Hanmer and Mary Maynard. London, England: Macmillan.
- . 1990. *Women's Leisure, What Leisure?* Basingstoke, England: Macmillan
- Henderson, Karla A., and Kathryn King. 1998. "Recreation Programming for Adolescent Girls: Rationale and Foundations." *Journal of Park and Recreation Administration* 16(2):1–15.
- Henderson, Karla A., Deboah Stalaker, and Glenda Taylor. 1988. "The Relationship between Barriers to Recreation and Gender-Role Personality Traits for Women." *Journal of Leisure Research* 20(1):69–80.
- Herridge, Kristi L., Susan M. Shaw, and Roger C. Mannell. 2003. "An Exploration of Women's Leisure within Heterosexual Romantic Relationships." *Journal of Leisure Research* 35(3):274–291.
- Hubbard, Jennifer, and Roger C. Mannell. 2001. "Testing competing models of the leisure constraint negotiation process in a corporate employee recreation setting." *Leisure Sciences* 23(3):145–163.
- Jackson, Edgar L. 2000. "Will Research on Leisure Constraints Still be Relevant in the Twenty-First Century?" *Journal of Leisure Research* 32(1):62–68.
- . 2005. "Leisure Constraints Research; Overview of a Developing Theme in Leisure Studies". Pp. 3–19 in *Constraints to Leisure*, edited by Edgar L. Jackson. State College, PA, USA: Venture Publishing, Inc.
- Jackson, Edgar L., Duane W. Crawford, and Geoffrey Godbey. 1993. "Negotiation of Leisure Constraints." *Leisure sciences* 15(1):1–11.
- King, Kathryn. 2000. "From the Precipice: Recreation Experiences of High Risk Adolescent Girls." *Journal of Park and Recreation Administration* 18(3):19–34.
- Lafrance, Michelle N., Marilyn T. Zivian, and Anita M. Myers. 2000. "Women, Weight, and Appearance Satisfaction: An Ageless Pursuit of Thinness." Pp. 227–236 in *Women's Bodies/ Women's Lives: Health, Well-Being, and Body Image*, edited by Baukje Miedema, Janet M. Stoppard, and Vivienne Anderson. Toronto, Ontario, Canada: Sumach Press.
- Liechty, Toni, Patti Freeman, and Ramon Zabriskie. 2006. "Body Image and Beliefs about Appearance: Constraints on the Leisure of College-Age and Middle-Age Women." *Leisure Sciences* 28(4):311–330.
- Matheson, Jil. 1991. *Participation in Sport*. London, England: HMSO.
- Shaw, Susan M. 1991. "Body Image among Adolescent Women: The Role of Sports and Physically Active Leisure." *Journal of Applied Recreation Research* 16(4):349–357.
- Stockdale, Janet E. 1989. "Concepts and Measures of Leisure Participation and Preferences." Pp. 113–150 in *Understanding Leisure and Recreation: Mapping the Past, Charting the Future*, edited by Edgar L. Jackson and Thomas L. Burton. State College, PA, USA: Venture Publishing, Inc.
- Walseth, Kristin. 2006. "Young Muslim Women and Sport: The Impact of Identity Work." *Leisure Studies* 25(1):75–94.

- Wiley, Caroline G. E., Susan M. Shaw, and Mark E. Havitz. 2000. "Men's and Women's Involvement in Sports: An Examination of the Gendered Aspects of Leisure Involvement." *Leisure Sciences* 22(1):19-31.
- Wimbush, Erica, and Margaret Talbot. 1988. *Relative Freedoms: Women and Leisure*. Milton Keynes, England: Open University Press.
- Ziebland, Sue, Margaret Thorogood, Pat Yudkin, Lesley Jones, and Angela Coulter. 1998. "Lack of Willpower or Lack of Wherewithal? 'Internal' and 'External' Barriers to Changing Diet and Exercise in a Three Year Follow-up of Participants in a Health Check." *Social Science and Medicine* 46(4):461-465.

نویسندگان

دکتر سارا کشکر،

استادیار دانشکده‌ی تربیت بدنی، دانشگاه تربیت مدرس
sara_keshkar@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس.
پژوهش‌های وی در زمینه‌های اوقات فراغت، ورزش تفریحی، و روان‌شناسی ورزشی است. از وی کتاب *روان‌شناسی ورزش* و چندین مقاله در نشریه‌های علمی-پژوهشی به چاپ رسیده‌است.

دکتر محمد احسانی،

دانشیار دانشکده‌ی تربیت بدنی، دانشگاه تربیت مدرس
mehsaniteh@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه منچستر، انگلستان.
پژوهش‌های وی در زمینه‌های اوقات فراغت، بازاریابی ورزشی، و مدیریت معاصر در ورزش است. از وی چندین کتاب در زمینه‌های مدیریت معاصر در ورزش، اوقات فراغت، مدیریت ورزشی و تفریحی، و مقاله‌های فراوان در نشریه‌های داخلی و خارجی به چاپ رسیده‌است.